

گزارش «فرهیختگان» از کنسرت‌ها و تک‌آهنگ‌های فروردین ۱۴۰۲

ساز موسیقی کوک‌است

خواننده	تعداد کنسرت	شهرها
علیرضا طلیسچی	۷	کیش(۳بار)، تهران(۲بار)، چابهار و بندرعباس
مهدی احمدوند	۷	قشم، بندرعباس، تهران، محمودآباد، بابلسر، چالوس و چابهار
ماکان بند	۷	کیش(۲بار)، تهران، بندرعباس، قشم، تهران و محمودآباد
مجید رضوی	۷	کیش(۴بار)، قشم، لاهیجان و بابلسر
بهنام بانی	۷	تهران(۲بار)، اراک، گیلان(۲بار) و کیش
مسعود صادقلو	۶	چابهار، کیش(۴بار) و لنگرود
اشکان خدابنده یا اشوان	۶	بندرعباس، قشم، رشت، تهران و کیش (۲بار)
رضا بهرام	۵	کیش، تهران (۳بار) و گیلان
معین زندی	۵	تهران(۲بار)، کیش(۲بار) و گیلان
آرمین زارعی	۵	تهران(۳بار) و کیش(۲بار)
امید حاجلی	۴	کیش(۲بار)، تهران و لاهیجان
آرون افشار	۴	کیش(۲بار)، تهران و بندرعباس
گرشا رضایی	۳	کیش (۲بار) و تهران
رضا صادقی	۳	چابهار، رشت و لنگرود
احسان یاسینی	۳	تهران (۳بار)
بابک جهانپخش	۲	تهران و رشت
علی یاسینی	۲	کیش و چابهار
علی زندوکلی	۲	قشم و تهران
فرزاد فرزین	۲	کیش (۲بار)
سامان جلیلی	۱	ماکو
پرواز همای	۱	بندرعباس
هوروش بند	۱	چابهار
مصطفی راغب	۱	لنگرود
سپروان خسروی	۱	تهران
مجموع	۹۲	



موسیقی در همه جوامع انسانی جایگاه خاصی دارد و به‌عنوان سند هویت ملت‌ها، نقش‌های بسیاری در زبان ارتباطی-کلامی ایفا می‌کند. موسیقی در تاریخ ملت ما، حافظه ادبیات بزرگ ایران بوده است. بخش قابل‌توجهی که در ذهن و روان ما از ادبیات فاخر ایران باقی می‌ماند، در فضای موسیقی شکل گرفته است. ما با زبان موسیقی امروز بخشی از زندگی روزمره‌مان را می‌گذرانیم. آمارها نشان می‌دهد موسیقی در زندگی ما نقش قابل‌توجهی پیدا کرده است. طبق آخرین آمار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۹۸، ۹۲ درصد مردم ایران موسیقی گوش می‌دهند. همچنین میانگین مصرف روزانه در کشور و برای مخاطبان سنی ۱۵ تا ۲۲ سال، ۹۲درصد است. مردم ایران روزانه یک ساعت و ۱۲ دقیقه و در سن ۱۵ تا ۲۹ سال دوساعت به موسیقی گوش می‌دهند. درواقع زندگی ما به‌گونه‌ای با موسیقی عجین شده است و این گونه نیست که مصرف موسیقی شامل حال طبقه خاصی باشد. جریان‌های موسیقی در تاروپود وجود افراد جامعه راه پیدا کرده است و هرروز بیشتر از گذشته بر اهمیت توجه به آن افزوده می‌شود. نمونه این مدل توجه به موسیقی را باید در تک‌آهنگ محسن چاوشی دید که همین چند روز پیش منتشرشد و بسیار مورد استقبال قرار گرفت و آنقدر در فضای مجازی پخش شد که به‌گفته کارشناسان حوزه موسیقی در عرض چندساعت، توانست رکوردی را به نام خودش ثبت کند. استقبال از این آهنگ باعث شد سراغ آهنگ‌هایی که در همین یک‌ماه ۱۴۰۲ منتشر شده‌اند، برویم و ببینیم کدام خوانندگان آهنگ جدید داشته‌اند. از طرف دیگر از ابتدای سال هم کنسرت‌هایی در سراسر کشور برگزار شده است و در این گزارش آماری هم از این کنسرت‌ها خواهیم داشت.

۱۱۱

آهنگ‌های معروف فروردین ۱۴۰۲

آخرین تک‌آهنگ منتشرشده از سوی محسن چاوشی مربوط به انتشار قطعه «به‌خدا» بود که چندماه پیش در دسترس مخاطبان و طرفداران این خواننده قرار گرفت، اما سریال «رهایم کن» دوباره انگار با یادی از سریال «شهرزاد»، چاوشی را به روزهای اوج برگرداند. همزمان پخش

احتمال شنیدن آهنگ صددرصد دلخواه در یک صبح بهاری

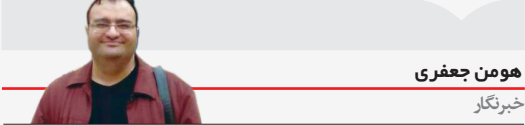
باید پیش‌شان لنگ بیندازیم. بازار موسیقی هم که جهانی است. از قدیم هم این‌طور بوده. یعنی قبل از انقلاب مخاطب بازار موسیقی، حتی اگر «جلال همتی» باز و «جواد بسپاری» باز بود، اسم «فرانک سینتاترا» و «ام کلوم» را هم شنیده بود! این تازه برای آن زمان بود که برای گوش کردن موسیقی به گرامافون نیاز داشتی.

امروزه روز، به قدرت اینترنت، اگر یک خواننده ۱۷ ساله در یکی از کوچه‌های بروکلین یک قطعه جدید بیرون بدهد، من و شما می‌توانیم نیم ساعت بعدتر، آهنگش را در اینستاگرام یا اپل موزیک یا ساوندکلاود یا اسپاتیفای گوش بدهیم تازه اگر به لحظه انتشار زنده قطعه موسیقی نرسیده باشیم. با چنین گستره‌ای از سرعت و دربرگیری و دسترسی، که بیشتر شبیه مرور ارزش‌های خبری هستند، طبیعی است که من و شما حتی نتوانیم از کار خوانندگان جدید سر در بیاوریم. فقط کافی است سری بزبند به سایت‌های دانلود موسیقی ایرانی یا استریم (پخش آنلاین) موسیقی خارجی. منهای چند خواننده کهنه کار و اسسم و رسم‌دار محال است اسم بقیه را بشناسیم. صلا‌بته این‌طور نیست که قبلاً کم خواننده داشته باشیم. قصه این است که قبلاً هم خواننده زیاد بود و هر ژانری چند تایی‌شان گل می‌کردند. قصه اینجاست که امروز تعداد خوانندگان جدید در دنیا، زیاد نیست. ترسناک است! ما نه با زایش که با انفجار خوانندگان جدی طرفیم.

۴. علی زندوکلی دارد در گوش من «کبه دل‌ها» را می‌خواند و من مست می‌شوم. نمی‌دانم آنها که نصف من سن دارند، می‌توانند چنین تصنیفی را گوش کنند و حوله‌شان سر نرود! نمی‌دانم. یک بحث هست که باید به آن ناخنکی بزنم و ربط پیدا می‌کند به همین بحث. بحث «هیت» شدن یک کار و «هیت» ماندنش! محطور می‌شود یک آهنگ بخشی از جادوی زمانه خودش می‌شود و مهم‌تر از آن، بعد از گذراندن آن شوروشوق اولیه، همچنان

سبک‌های جدید و نمی‌گویم زیبا و گوش‌نواز نیستند اما از حد نیاز خارجند. نتیجه این انفجار خوانندگان این است که احتمال دارد روزی دچار کمبود مخاطب بشویم یعنی تعداد خوانندگان جهان از تعداد شنوندگان موسیقی بیشتر شود و دنیا دچار بحران کمبود مخاطب گردد.

۲. بیایید به پدیده رشد روزافزون خوانندگان جدید، نگاه دیگری بیندازیم. «بازار موسیقی» اگرچه خوانندگان جاافتاده و صاحب برند خود را دارد، اما همیشه دچار «زایش» خوانندگان جدید هم هست. این زایش تدریجی خوانندگان جدید، یا به تعبیر دیگر، در هر بازی و بازاری، بازیگران جدید، کاملاً طبیعی است. نمی‌شود که جوان سال ۱۴۰۲ همچنان شجریان و اکبر گلپایگانی و ایرج گوش بدهد. نه اینکه اینها را نباید گوش بدهد. چرا باید گوش کند و اگر به سلیقه‌اش خورد، لذتش را هم ببرد اما جوان ۱۴۰۲ همایون شجریان هم می‌خواهد. محسن چاوشی هم. محسن یگانه هم و خیلی‌های دیگر. حتی سنتی‌ترها، قربانی، عقیلی، یا معتمدی. و تازه اینها تعداد اندکی از برنده‌های بازار موسیقی امروز ایرانند و تازه آنهایی اند که این سمت آیند و تازه اگر جوانی باشد که در ۱۴۰۲ سلیقه موسیقایی‌اش همین‌ها باشد که من اسم بردم که دیگر جوان و نوجوان نیست! مثل ماها پیرمرد است! ۳. زمان نوجوانی ما، انتظار می‌رفت اسم چند خواننده را بشناسیم؟ پنج تا ده خواننده قبل از انقلابی و لس آنجلسی، چهار پنج تایی خواننده سنتی و بعد هم حدود شش هفت تایی خواننده پاپ جدید مجاز، کافی به نظر می‌رسید. ما نسلی بودیم که با همین‌ها کارمان راه می‌افتاد. امروزه روز، در بین این همه تین ایجری که دور و بر ما زندگی می‌کنند، قصه‌طور دیگری پیش می‌رود. آنها به‌شدت پلی لیست بازند و در عصر انفجار اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، ابرسایت‌های دانلود و اشتراک موسیقی و همچنین برنامه‌های ویران‌کننده کشف استعداد‌های موسیقی، چنان مسلط و متخصصند که ما



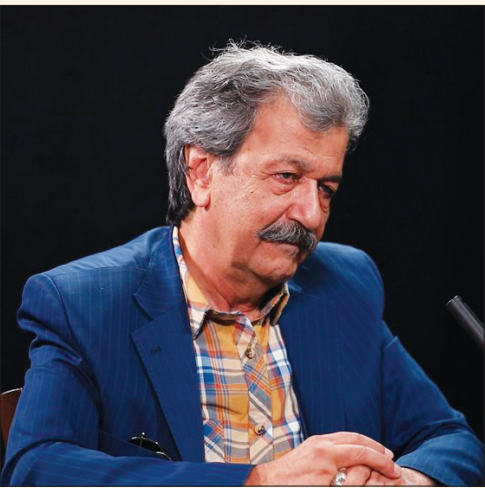
۱. من خیلی بازار موسیقی ایران را دنبال نمی‌کنم. عمده خواننده‌ها را نمی‌شناسم و اسامی آهنگ‌های پرتعدادشان را هم بلد نیستم. ایرادی هم ندارد. بالاخره سن و سالی گذشته و آدم نمی‌تواند پا به پای نسل‌های قبل‌تر بدود ضمن اینکه از یک سنی به بعد، سلیقه موسیقایی شما شکل گرفته و دیگر آن جست‌وجوی مداوم برای یافتن صداهای جدید را متوقف کرده‌اید. حتی اگر بسیار هم آماده باشید برای شنیدن تجربه‌های جدید، باز هم گیر می‌کنید. تعداد خوانندگان جدید عملاً از حد شمارش خارج است و یادمان باشد که مارکت جهانی هم همین وضع را دارد.

با گسترش شبکه‌های اجتماعی و رقابت انفجارطور برای کشف استعداد‌های تازه، عملاً بازارهای موجود هزاران برابر گسترده شده‌اند و دیگر هیچ کنترلی روی خروجی نیست. زمانی بود که شما برای خواننده شدن باید حتماً از ارشاد مجوز می‌گرفتید. الان شما در فضای مجازی بدون نیاز به مجوز، یک خواننده معروف می‌شوید و به محض مجوز گرفتن، پنج کنسرت اول‌تان کاملاً پیش فروش می‌شود. سابقاً برای خواننده شدن باید می‌رفتی سراغ خاک خوردن در کلاس‌های آسایتید و حالا دیگر خیلی‌ها حتی آسایتد را هم قبول ندارند و فقط خواندن خودشان را به‌عنوان نمونه می‌پسندند. رسم جدید دنیا هم انگار همین است. صبح تا شب هم که برنامه‌های موسیقی‌ایی جدید از راه می‌رسند تا مطمئن شوند که در دنیای سال‌های بعد، کمبود خواننده نداشته باشیم! صبح تا شب خواننده جدید و آهنگ جدید و آلبوم جدید و حتی

تولیز یون بی پول نیست، رانت‌ها را کنار بگذارند

محمد بیک‌زاده، تهیه‌کننده «امام علی(ع)» در گفت‌وگو با تسنیم در رابطه با تولید سریال‌های تاریخی در تلویزیون گفت: «تولیز یون بی‌پول نیست، برخلاف این شایعاتی که مطرح می‌شود. بازگانی صداوسیما کافی است تلویزیون را اداره کند. رانت‌ها را کنار بگذارند، بودجه از بازگانی تلویزیون تأمین می‌شود. حتی اگر دولت یک ریال ندهد، بودجه تلویزیون از بازگانی تلویزیون تأمین می‌شود.» وی افزود: «از طریق سریال می‌توانیم فرهنگ و اصالت و تمدن را انتقال بدهیم. تلویزیون می‌تواند اتفاقات خوبی رقم بزند و خودش را از بحران مخاطب نجات دهد به شرط اینکه ساخت سریال‌های تاریخی اساطیری را جدی بگیریم و همچنین به ادبیات کهن ایرانی‌مان توجه داشته باشیم.»

بیک‌زاده ادامه داد: «درباره برآورد یا معیار هزینه ساخت سریال‌های تاریخی باید دستمزد دارد. چون معتقد است که او می‌فروشد. اگر چنین باشد حفش است؛ اما این چنین نیست. قصه است که می‌فروشد؛ همان اعتقاد غلطی که در ابتدای کار نمایش خانگی وجود داشت؛ لا‌کچری بازی و نشان دادن لوکیشن‌های آنچنانی و کپی محض از سریال‌های ترکیه‌ای و ...»



فارابی وظیفه‌اش رونق دادن به سینما است نه تلویزیون

محمود گبرلو، منتقد سینما، درباره پخش فیلم‌های سینمایی که فارابی تولید کرده، از تلویزیون گفت: «صداوسیما به‌شدت نیازمند فیلم‌های تلویزیونی است که بتواند مخاطبان خودش را جذب کند و این ماجرا ضعف جدی تلویزیون در سال‌های گذشته بوده که از فیلم‌های سینمایی اکران‌شده، استفاده نکرده است و این یک موقعیت خوب، مناسب و هوشمندانه برای مدیران تلویزیون است که این موضوع را درک کنند می‌توانند از فیلم‌های سینمایی برای جذب مخاطبان از دست‌رفته خودشان استفاده کنند. در سال‌های گذشته فیلم‌های بسیاری زیادی در سینما تولید شد، اما صداوسیما به بهانه‌های متفاوت از پخش این فیلم‌ها سرباز زده و باعث شده که مخاطبان از تماشای این فیلم‌ها محروم شوند. فیلم‌های سینمایی در همه جای دنیا جایگاه خاص و ویژه خودش را دارد.»

وی افزود: «اصولش این است که یک فیلم سینمایی در سینما اکران شود بعد به شبکه‌ها فروخته شود؛ اما اگر این کار پیش از اکران در سینما انجام شود، یک بحث دیگر است. به نظر این یک بحث جدی است که سازمان سینمایی و بنیاد فارابی نتوانسته‌ت برای فروش عمومی آن فیلم پیش‌بینی انجام دهد و چون نیاز اقتصادی داشته، فیلم را به تلویزیون فروخته تا بودجه را تأمین کند. این را فراموش نکنیم بنیاد سازمان فارابی وظیفه‌اش رونق سینما است نه تلویزیون و بعد بابت کاری که انجام شده به آن افتخار کنیم، اصلاً درست نیست. بنیاد سینمایی فارابی نباید برای تلویزیون فیلم بسازد، اصلاً وظیفه‌اش چنین چیزی نیست.»

در اتمسفر زمانه‌های بعد از خودش زنده می‌ماند؟ مرا ببوس را در نظر بگیرید که «احسان گل نراقی» خواند و هنوز بعد از گذشت شش دهه، زنده و ماندگار است. منهای صدای دلنشین و آهنگ بسیار شنیدنی، ماندگاری این قطعه مربوط است به افسانه‌ای که پیرامون سرمشأ ترانه آن در اذهان عمومی جا افتاد و صد البته بعدها اثبات شد که داستانش صحت ندارد و ترانه‌سرای این اثر «حیدر رقابی» از اساتید وقت دانشگاه تهران بوده و ماجرا اصلاً ربطی به اعدام افسران توده‌ای در زمان شاه ندارد. با وجود آنکه منابع متعدد این ادعا را تایید کرده‌اند اما هنوز خیلی‌ها دوست دارند بچسبند به همان داستان قبلی و خب، جادوی «مرا ببوس» هم همین است. اینکه آنقدر در دل خود حزن دارد که تبدیل شود به بخشی از زمانه خود و با دهه‌های بعد و زمانه‌های خودش نیز ارتباط بگیرد و وقتی به داخل متن نگاه کنی، می‌بینی چه اهمیت دارد که این را سرهنگی قبل از اعدام شدن برای دخترش نوشته یا شاعری در آستانه ترک کشور، از فرودگاه برای رفیقش تلفنی دیکته کرده تا دست کم هنرش در کشورش ماندگار شود!

این روح زمانه که صحبتش را می‌کنم، چیزی است که شما در سال‌های اخیر به خوبی درکش کرده‌اید. در پی هرکدام از تحولات اجتماعی که ما در ایران در سال‌های اخیر تجربه کرده‌ایم، آهنگ‌هایی بیرون آمده‌اند که شاید بتوان آنها را ترانه آن دوره نام داد. مثال؟ ترانه کجایی از محسن چاوشی در سال ۹۴ برای سریال شهرزاد که متن ترانه‌اش در جامعه به‌شدت دیده شد و هرکس تفسیری مطابق میل خودش را از آن ارائه داد. خیلی وارد جزئیات نشوم. این قطعه هنوز هم شنیدنی و دوست‌داشتنی است. در مبحث هیت شدن و هیت ماندن یک قطعه موسیقی باید بیشتر نوشت. مبحث جالبی است. علی‌الحساب فعلاً با «اون جنون چه خبر» محسن چاووشی سرگرم باشید تا دوباره برگردیم خدمت شما!